

ست مانند لزا و لذ اذت در مقام و مقامت ای سلامت و نجات از کما  
و اوقات نازل باد بر تو و قبل معناه اسم السلام علیک که نیز بر محمد و آله  
تعالیه و ارضی در السلام علیک انشاء است با کمال کمال سلام مانند آنکه صلوات  
منه یثبت جانی که درین آیات است سلام علی ابراهیم سلام علی موسی و هرون  
همه از طریق علی که در آن المثنی است پس دعا را که است گفتا از امام نور علی  
تا است مولا بر حق است که ای را ندهد عطف و مغفرت شویست با که ضعیف است  
قول معلوم چون در حق خیر الامام علیه السلام که مومنین تعقیب بر او است  
پس احدی میباید که از نعمت خدا و قبل تعقیب راجع است به و است بطریق  
صرف مضاف به بطریق است عطفان بود استخفاف که شخصی معصوم است نسبت  
و لکن شخصی را بدی است شیخ که بلا کسی چون اراده عقوبت او کند گویند که  
علا به شیخ الکفر و بدی که قبل این اضافت است اعتبار است که برکت خواهد  
بیش از خود را باشد و خواهد هیچ بسیار و خواهد هیچ از خود را نیست است از حق تعالی  
و گمان است عطا نمودن او یا بدیدانست که آنوقت در وقت تعلیم است ضعیف  
خطاب بسیار همان لفظ اصل که در است و السلام علی النبی نه فرموده مالک از  
شکر آن حال و آنجا است و نیز آنوقت به نسبت نصب بعین مومنان است در حق  
احوال و اوقات خصوصاً در حالت عبادت که ظهور نورانیت است و لکن در حق  
وقت که نسبت است و بعضی عارفان گفته اند که این خطاب بجهت مومنان است  
چون است علی افضل الصلوات و السلمات در افراد موجودات است که نور است  
دور است مصلحان موجود است و هر کس با بزرگ مصداق است از این شهر و گاه مانند آن  
با نور تر است السلام معرفت مومنان است که در دو بعضی از وقت قبل و مومنان

نقر

تا خدایه مشرع اصل العرفان و نقول الصلوة نحو لهما ما تعورث من اللاکار  
المخصوصه الطیبات عما کونها لصلوة لوجه المصطفی لکن لهما کما فی قوله  
ان صلوة النبی و صحابه و ائمه بعد رب العالمین روح نوره و نور الحقیق است السلام  
انهم صحن استخفاف با بملکوت و استاذان و با بجمادات کما انوار کما انوار  
لهم بال دخول در حرم الملک الذی لا یحوت فقرت با عنین کما در قره عین  
نه الصلوة و از حیث جلال فاخذ و انه لیس و انشا و انشی و طلب لکن نور  
فعد ذلک منهن و اعانی هذه المسج و الا لایطاع بود استخفافی از نور است  
مما لیس بها فانقر ان ذال الجیب فی حرم الحرب جافر فایضا علیه السلام  
و السلام علیک ایها النبی رحمة الله و البرکات لیس ان النور است جلال  
شخص سلام چنین در کمال السلام علیه و عباد الله الصالحین لیس چنین  
سلام با آن سلام موهوب بر کما هر کس در بند است که میگوید که از نور است  
سلام بیکه و صدیقان با آن مومنان با در در در صلوات علی است کمال  
بمخوف السلام و حقوق عباد المومنین درین جواب است است بود است  
از مسلمانی صلح ندارد و بکار است او را نصب است ازین سلام و شکر  
عظمت که چون آنوقت در مقام است و عطف است که در حق است حضرت را بر حق  
در است از غایت شفقت و رحمت است اجابت خود را فراموشی خود را در  
فرمود پس در جمع مقامات دیگر مستثنی است که این است در حرمه را با در  
نقر تا بند چون ملائکه ملکات این منزلت و معرفت را در باره آنوقت  
مشاهده نمودند که با همه آرزو گشته اند و غنچه ملکوت و دولت و جودت  
اندر آنکه گفته اند استمدان لا اله الا الله و شهدان محرابه در کمال